

Some articles and reports of mine in field of visual art that have been published in Etemad newspaper between 2003- 2005

این کسب که گویا از این عرصه با آنکه خبری نیست، بی آنکه خبری باشد، طبعی است که به یک طبعیت با آن در حال نگاه من چه حد است

لحظه

www.ETEMAD.COM

این کسب که گویا از این عرصه با آنکه خبری نیست، بی آنکه خبری باشد، طبعی است که به یک طبعیت با آن در حال نگاه من چه حد است

موانع

این کسب که گویا از این عرصه با آنکه خبری نیست، بی آنکه خبری باشد، طبعی است که به یک طبعیت با آن در حال نگاه من چه حد است

افغان نامر از این می بود

این کسب که گویا از این عرصه با آنکه خبری نیست، بی آنکه خبری باشد، طبعی است که به یک طبعیت با آن در حال نگاه من چه حد است

گرانش از کوزه آفران

ورک شاپ بار دیگر متولد شده است

این کسب که گویا از این عرصه با آنکه خبری نیست، بی آنکه خبری باشد، طبعی است که به یک طبعیت با آن در حال نگاه من چه حد است

موانع

این کسب که گویا از این عرصه با آنکه خبری نیست، بی آنکه خبری باشد، طبعی است که به یک طبعیت با آن در حال نگاه من چه حد است

موانع

این کسب که گویا از این عرصه با آنکه خبری نیست، بی آنکه خبری باشد، طبعی است که به یک طبعیت با آن در حال نگاه من چه حد است

موانع

این کسب که گویا از این عرصه با آنکه خبری نیست، بی آنکه خبری باشد، طبعی است که به یک طبعیت با آن در حال نگاه من چه حد است

موانع

این کسب که گویا از این عرصه با آنکه خبری نیست، بی آنکه خبری باشد، طبعی است که به یک طبعیت با آن در حال نگاه من چه حد است

موانع

این کسب که گویا از این عرصه با آنکه خبری نیست، بی آنکه خبری باشد، طبعی است که به یک طبعیت با آن در حال نگاه من چه حد است

موانع

این کسب که گویا از این عرصه با آنکه خبری نیست، بی آنکه خبری باشد، طبعی است که به یک طبعیت با آن در حال نگاه من چه حد است

موانع

این کسب که گویا از این عرصه با آنکه خبری نیست، بی آنکه خبری باشد، طبعی است که به یک طبعیت با آن در حال نگاه من چه حد است

موانع

این کسب که گویا از این عرصه با آنکه خبری نیست، بی آنکه خبری باشد، طبعی است که به یک طبعیت با آن در حال نگاه من چه حد است

موانع

این کسب که گویا از این عرصه با آنکه خبری نیست، بی آنکه خبری باشد، طبعی است که به یک طبعیت با آن در حال نگاه من چه حد است

موانع

این کسب که گویا از این عرصه با آنکه خبری نیست، بی آنکه خبری باشد، طبعی است که به یک طبعیت با آن در حال نگاه من چه حد است

باز عود و عسک گوز سانی شکارگاه
از دیگر مواردی است که ما در این
کارگاه از او در پی آن هستیم. اجایی که
دیگر دانشجویمان با طایفه راجایی
حسیای عود-چندر-دیگر بدو این
امر بطور مستقیم از سوی ما متوسل
در حال حاضر محفل بدو افتاد دیگر
و فعالیت های او بدین خارج از
چند روزی از دانشگاه او بدست
۱۶۰۰ خط نیم ساعت از شروع
کار او است. گشتن به یاد او گشتی

[illegible]

نگاهی کوتاه بر زندگی و شیوه اوا هس (Eva Hesse) مجسمه ساز آلمانی

مهیج و پریچ و تاب

مینیمال، گسایشی است در نقاشی و بویژه مجسمه سازی که طی دهه ی ۱۹۵۰ ظهور یافت و این شیوه بیشتر به ایالات متحده آمریکا مربوط می شود. هنر مینیمال تنها اصلی ترین و خالص ترین فرم های هندسی را در خود جای می دهد و ویژگی غیر شخصی آن را می توان به عنوان واکنشی در برابر هیجان و شور اکسپرسیونیسم انتزاعی دید. از هنرمندان نامی و شهره در هنر مینیمال می توان به کارل آندره، دون جود، تونی اسمیت و اوا هس اشاره کرد که با نگاهی کوتاه از زندگی و شیوه هنر او گذری کنیم. «اوا هس» در یازدهم «ژانویه» سال ۱۹۳۶ م. در هامبورگ متولد شد و خانواده وی سه سال بعد نزیس (Nazis) را ترک کرده و چندی بعد سال ۱۹۴۵ در ایالات متحده آمریکا ساکن شدند. او ده ساله بود که مادرش خودکشی کرد و همین امر شروعی بود برای زندگی سراسر جنجال و تشویش وی. با این وجود او در تعقیب متفکرانه هنر پشتکار و اراده ی سخت داشت و قدم های بلند و محکمی به جا گذاشت. جای پایش را هر چه عمیق تر و آشکارتر بر سرزمین پناور هنر فرو برد.

اوا هس پس از گذراندن دوره یی چهار ساله در مدرسه هنر صنعتی در ۱۹۵۲ به عضویت اتحادیه کاپر (Capper) درآمد و تا ۱۹۵۷ به حضور خود در این گروه استمرار بخشید. در همان سال به دنبال گرفتن بورسیه تحصیلی به «ایل نورفولک سامر» (Yale Norfolk Summer) مدرسه موسیقی و هنر رفت و در پایان آن سال در دانشکده هنر و معماری دانشگاه «یل» پذیرفته شد که لنگرگاه جدید

زندگی او بود. در طی این سالها همراه با جوزف آلبرز (Joseph Albers) نقاشی خواند و پس از پایان این دوره تحصیلی دو ساله مدرک B.F.A را از دانشگاه «یل» دریافت کرد و به نیویورک بازگشت.

«هس» در ۱۹۶۱ با گروه گالری های موزه بروکلین (Brooklyn) و گالری جان هلر همراه شد و طی آن در همان روزها نام دبل را شریک زندگی خود کرد و سالهای سال با این مجسمه ساز همگام و همراه شد.

اولین نمایشگاه انفرادی وی طراحی هایش را در خود به نمایش گذاشت که در آن روشهایی (Materials) غیر مرسوم را به کار بست. از نقاشی آبرنگ و مداد تا پاپیسه. فایر گلاس، طناب و رزین صنعتی همه را در معرض تجربه و حیطه حلاقت و آفرینش خود قرار داد و تازه های خود را از حیث زیبایی شناسی.

(Aesthetic) در حرکت و گردش برجسته و فضایی نو درگیر می کرد. به دنبال آن در ۱۹۶۲ نیویورک در گالری آگن استن شرکت کرد و در سراسر همان سال او همراه «دیل» در آلمان تحت حمایت یک تولید کننده (با فستی) اهل آلمان و فارغ التحصیل در رشته هنر به طراحی و نقش بافت پرداختند.

پس از گذشت یک سال در ۱۹۶۵ «اوا» اولین نمایشگاه انفرادی مجسمه هایش را از سر گذراند و از آن پس هس بعد از پشت سر گذاشتن پنج سال تجربه های تصویری بسیار جدی و سخت به مجسمه سازی با استفاده از لاستیک خام و دیگر متریالهای غیر مرسوم پرداخت و از همان سال بود که وی آوازه شهره خود را در امر مجسمه سازی و نقش زدن بر سختی انعطاف پذیر لاستیک های خام و تیره، در گوش هم عصران خود خواند و با نمایشگاه های انفرادی خود در

گالری فیسج باش نیویورک میر محکمی بر این شهرت زد و یکی از اعضای خانواده بزرگ و مشحوم گالری ها شده نمایش آثار او با قرابت و نزدیکی خاص در مسک مینیمال در مسیر اندیشه یی جوان و نو با اما عمیق بسر می برد. او با تدریس در مدرسه هنرهای بصری به کار خود در عرصه هنر از ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۰ ادامه داد که پس از گذران زندگی نه چندان طولانی که تنها در ۳۴ سال عمرش خلاصه می شد در ۱۹۶۹ دچار یک تومور مغزی شد که بعد از سه بار عمل جراحی در طول یک سال او سرانجام در ۱۹۷۰ چشم از جهان طبیعت و در مفیومی خلاصه تر، جهان هنر فرو بست و دار فانی را وداع گفت.

«اوا هس» در طول دوره کوتاه حضورش در عالم هنر نقش اساسی و محوری در توسعه هنر بین المللی پس از جنگ ایفا کرد. خلق و آفرینش نقاشی ها و بویژه مجسمه ها و حجاری هایش همراه درک و احساس رنده و پویا در قالبی آشکار و گویا او را از راه پرشتاب و گذر قلمرو هنر مدرن عبور داد و این زن هنرمند که در تمامی عمرش، زندگی مهیج و پریچ و تابی را گذرانده با دستانی پرکار و اندیشه یی پربار به سر و صورت اشیا شکل داده و به باز یافتن آنها نیستی و خامی به دوام و پختگی پرداخته و به واسطه ترکیب متریالی انتقادی اما در گرو طرافت و زیبایی به آنها جان بخشیده است.

این زن جوان طراوت و ترم هنر را بخوبی درک کرده و در آثارش به کار بسته اما گو اینکه سایه مرگ مجال نداد و او را به دست پنجه نرم کردن با خود خواند.

«اوا هس» از جوان و گستره هنر گذشت اما جابایش را بر زمین سخت هنر سفت کرد.

ایضاً

۱۷۳۹
 ۱۷۳۸
 ۱۷۳۷
 ۱۷۳۶
 ۱۷۳۵

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

دروزی نوعی هس این طرز گفت : « علت
ارابه گذر تان به شکل ترکیبی از نقاشی و
عکس چه چیز بوده ؟ » زرمین دراز این
طور پاسخ می دهد که : « این کار
گروهی با بستر بگونیم دو نفره سال ها
پیش از سوی یک مورسین فرانسوی
به ما سفارش شد . از آنجایی که من
باز با دیدگری زاده قالب یک کار هنری
خیلی دوست دارم به تداوم این
همکاری بازان مایل بودم تا اینکه امروز
حاصل آن را در یک کارخانه راه ایرشم
به شکل نوعی طرز یا به اصطلاح
فرانسوی ها «چشمک» دیدم . »
در گوشه سالن یکی دیگر از
حاضریین نظرش را این طرز بیان
می کند که : « آقای بریگودو ، من بعد
از دیدن عکس هایتان احساس کردم
که شما سعی در حلق عصر انسان
دارید و تنها به نشان دادن عوامل انسانی
اکتفا می کنید و شاید قصد داشتید نقطه
ضعف انسان را به تصویر بکشید . »
ژان پیر با چهره ای متعجب در جواب
می گوید : « اما هدف من در
عکس هایم این نبود سوال شما در
نظر من خیلی عجیب آمد . کارهای
من در ارتباط مستقیم با انسان تصویر
شده اند و لزومی نمی بینم که انسان
در قالب یک انسان در آن ظاهر شود .
اینها همه عناصر غیر انسانی هستند که
در اعمال انسان منعکس می شوند . »
و پیر بریگودو در آخر افزود :
« مدرن بودن اثر هیچ ارتباطی با مادیوم
و وسیله آن ندارد . »
در پایان نشست یکی از حاضرین
که در لایه لای این بی وقته زمائی
اندک می جوید خیلی کوتاه و مختصر
می پرسد : « چرا ایران ؟ »
و ژان پیر بریگودو با پاسخ به
این سوال به جلسه ختمه می دهد :
« ما طی یک سال و نیم گذشت چنان باز
به ایران آمده ایم و این اولین نمایشگاهی
است که ما در ایران ارایه کردیم اما ما
ایران را دوست داریم و حتما به این
سفرها ادامه خواهیم داد . »
پس به امید تداوم آن

و دانشکده‌هایی هنر ۵۰ درصد آموزش در قالب ستوریک و ۵۰ درصد دیگر به شکل عملی ارائه می‌شد اما در حال حاضر آموزش آکادمیک در ۳۰ درصد محدود شده است. و «ژرمن روز» در ادامه افزود: «در هر فرد ظرفیتی از خلاقیت وجود دارد که باید آن را تحت رنامه‌ی آکادمیک خفه کرد و از میان

مستند فرانسه

راه ابریشم



برداشت، ما در امر آموزش بر این عقیده هستیم که دانشجو مالک حقیقت است و معلم تنها وسیله‌ی است تا هنر به شکلی زنده و پویا ارائه شود و با توجه به اینکه هنر شکلی واحد ندارد و خود را پشت هزاران چهره و صورت مخفی می‌کند پس ما باید با دیدنی متواضع به این صورت‌ها بنگریم و شما جوانان باید از این صورت‌ها بهره بردارید و آن را در چشم بشر خلق کنید.» به دنبال آن بعد از بازگشتی به گالری ابریشم نگاهی به آثار عرضه شده ایشان در این گالری سوالانی در مورد نحوه ارائه آثار و عناصر موجود در آن از سوی هنرجویان مطرح شد که طی آن یکی از هنرجویان خطاب به ژرمن

هنرمندی است همه جالبه اما محور اصلی کارهای او نقاشی و نویسندگی است که در گالری راه ایرشم نیز به آرایه نقاشی هایش پرداخته.

ژان لویی هس (Jean Louis Hess) بطور تصادفی با فلورین عکاسی که هدیه می گیرد وارد عرصه عکاسی می شود. او ابتدا در زمینه پرتره و طبیعت

نشست عکاسان

در گذر از



و بعد در شاخه عکاسی خبری به کارش ادامه می دهد و در تمام گرایش های عکاسی جنبه هنری آن را برمیگزیند و هدف لایبی خود را ثبت زیبایی پرآمویش با شیوه آستره می داند.

به دنبال آن دانشجویان حاضر در نشست، سوابقش را خطاب به این عکاسان فرانسوی مطرح می کنند.

یکی از دانشجویان تحصیلاتی سوال را این طور مطرح می کند: «در دانشگاه های فرانسه تدریس به شکل تئوریک و آکادمیک است به شیوه عملی و کاربردی آن تا چه میزان است؟»

که ژان لویی هس در پاسخ به او می گوید: «ما ۳۰ سال قبل در

گروه فرهنگی سازا ساسانی
سکونت هنر معاصر که با نیروی عناصر
بصری شکسته شده؛ زبان یگانه
نمی شناسد. ژانر غریبه نمی داند و
فرهنگ ناشناخته نمی داند و تنها نوعی
یگانه خود را سر می دهد.

این سکونت ذهنی که شاید زمانی
باشد به ظاهر صامت اما در اصل زبانی
است و احد که هنر مدرن به این زبان
می آفرند. به گونه ای که تجریبات
بصری راه دور از هر نوع ژانر پرستی
و ملیت گرایی در قالب آئینش معاصر
نگارش می کند. همین زبان یگانه
است دلیل حضور عکاسان فرانسوی
در ایران؛ این استیلا که طی گیلری از
راه ایریم در روز نوشته نوزدهم آبان
ماه در خانه هنرمندان ایران به اتفاق
جمعی از اساتید و دانشجویان رشته
عکاسی کشورمان گردهم آمده اند.

این نشست به دنبال آرایه آثار ایشان
در گالری راه ایریم با هدف بحث و
گفت و گوئی در قالب آشنائی با
شیوه کار عکاسان فرانسوی و نوع
تدریس آنها در دانشگاه های فرانسه
صورت پذیرفت.

در ابتدا عکاسان مستند همراه با
آرایه اسلاید تعدادی از کارشان
مختصری به معرفی خود و شیوه
آنها پرداختند. ژان پیر برگوئیو
(Jean Pierre Bruguodot) که
عکاسی و همراه با مجسمه سازی در
شیوهست مدرن شروع کرده به گونه ای
در هر نوع اینا تلقیق و هماهنگی ایجاد
می کند او در تجریبات تصویری اش
به مطالعه تاریخ استیا و ارتباط آن با
طبیعت در پس زمینه می از نقشه های
جغرافیایی پرداخته. ضمن اینکه او
معتقد است که عکاس نیست و
عکاسی را تنها یک وسیله می داند.
همین بطور در او باعث می شود تا آرایه
عکس بگیرد و دست خود را در این
زمینه باز بگذارد.

ژرمن روز (German Rouse) استاد دانشگاه ترنور گو عضو گروه
هنرهای تجسمی فرانسه او

داداشتی کوتاه به بهانه نمایش آثار سه تن از عکاسان فرانسوی
«ژان پیر بریگودیو، ژان لویی هس، ژرمن روز» در نگارخانه «راه ابریشم»



نمایشگاه
عکس
ژان پیر
بریگودیو
ژان لویی هس
ژرمن روز

سوررئال در مکتب پاریس

ستارا ساسانی

نمایش ابزار انسانی، افتخار دود در پرداختن بیشتر به آن بازی می‌ماند. خالق از آنکه جهان طبیعت ژان جیمز هسین انسان هست که حیات می‌گیرد. در دیگر گوشه راه ابریشم عکس‌های ژان لویی هس (Jean Louis Hess) و ژرمن روز (German Roess) با نقاشی‌های ایشان آنجنان همشینی می‌کنند گو اینکه با هم در یک زمان خلق شده‌اند و هر یک برای تأکید و صحنه گذاشتن بر دیگری تصویر شده‌اند. در این میان رنگبای گرم و پر حرارت این تصویر همچنان نیز بر این هجایی و همزمانی بافتاری می‌کنند و بر آن اصرار می‌ورزند.

به دنبال آن پرداختن به ساده‌ترین و عام‌ترین سوژه‌ها از سوی لویی هس و ژرمن روز خود بازگشتی است به مکتب پاریس. آنجایی که عکس‌های ۱۹۲۰ خالق عکاسی نوین با نوعی عمق و کمال فنی فرازنده واقعیت مشخص می‌شوند و از همین جاست که حتی پیش‌پاافتاده‌ترین موضوع‌ها در کارش اهمیت پیدا می‌کنند و با دلچسپی و کثی خاص به پردازش این نوع سوژه‌هایی که در نگاه عام کم قیمت می‌نماید با بیش و بسع و چشمان آگاه خود دست می‌زند که به دنبال آن این عکاسان فرانسوی نیز سایه درختی که بر پشته گل‌گراها پهن شده‌اند و برکناره شومیل‌ها تکیه زده‌اند و چراغ‌های راهنمایی که در مسیر عبور انسانها خودنمایی می‌کنند را با ظرافتی از نوع تیزبینی مکتشان در دل کادر عکس‌هایشان جا داده‌اند و چشمان بیننده را به نظاره آنها مشتاق‌تر کرده‌اند.

در نگاهی کلی بر میانه «راه ابریشم» دقت و وسواس در ترکیب‌بندی عناصر از جنب این عکاسان فرانسوی، یادآور عکاسانی است چون هنری کارتییه برسون (۱۹۰۸)، تقطه لوح مکتب پاریس که کارهایش را با نوعی علاقه به ترکیب‌بندی قاف می‌گرفت. همچنین در کار آندره کرتس که از ترکیب‌بندی احتیاط‌آمیزی استفاده شده و موضوع را به قدر کافی از محیطش مجزا ساخته تا اصل صحنه را پدید آورد.

این سه عکاسی فرانسوی نیز همچون کارپشینیان مکتب پاریس با ترکیب‌بندی ظریف و استادانه، از عناصر بصری پرده‌برمی‌دارند و چرخشی به وقعه در میان این عناصر ایجاد می‌کنند تا آنجا که چشم مخاطب حتی در تقطه بی‌آن از حرکت و گردش باز نمی‌ماند. اما این امر گرایش به فرمالیستی را در آنها تقویت نکرده و دست آنها را از پرداختن به فرم و شکل می‌رواند و نگاه‌ها را در آرامش و آزادی فضای گالری راه ابریشم به نظاره هرچه عمیق‌تر در تجربیات بصری این عکاسان فرا می‌خواند.

دیگر یعنی «مکتب پاریس» نگارش می‌شود. مکتب پاریس که از قرن نوزدهم میلادی با نوگرایی‌های لوژن ژرمن (۱۸۵۶-۱۹۲۷) متولد شده و با نگاه واقع‌گرای او به سوررئال پیوند می‌خورد. به دنبال آن دو چهار گوشه «راه ابریشم» نیز عکس‌هایی که در تاروپود همین مکتب ریشه دوانده به دیده می‌آید و بوی شیوه پاریس به مشام می‌رسد.

ژان پیر بریگودیو (Jean Pierre Briguodiot) در گزارش اشاره‌هایی به موضوع کار رویروفتانو (۱۹۱۲م) داشته که در آن توانا نقاط ضعف انسان را به رخ او می‌کشد و به کمک بهترین طرز ممکن در بطن مکتب پاریس از آن پرده برمی‌دارد. او گزارش را در نگاهی دیگر گونه به عصر و انسانه قاف گرفته است و جهانی دیگر برای این موجود مؤثر ساخته که تنها سایه انسان را در آن زنده می‌کند. گو اینکه انسان را شایسته حضور آشکار در گستره دنیای پویای خود نمی‌داند و فقط به

تأهش کنترل، آگاهی استفاده می‌کنند. (۲) رویکردی که دیگر در آن جزئیات بطور دقیق و با وسواس تصویر می‌شوند. تا بدین شکل توهمی از واقعیت رابه صحنه‌های غیرواقعی بدینند. (۳) رویکرد آخر که با کنار هم نهادن اشیاء ترکیبات نامتعارف نامتظره صحنه‌های خلق می‌شود کاملاً غیرواقعی که برای دنیای واقعی پیرامون ما هستند.

این رویکرد مبتنی بر تحلیل به زمان‌هایی دورتر برمی‌گردد اما به صورت سبک و شیوه مشخص فقط در اواخر سده پیشین و بویژه در میانه دو جنگ جهانی به فراگیرترین و بحث‌برانگیزترین جنبش زیبایی‌شناسانه بدل شد و سرانجام اروپا را فرا گرفت. که پیش‌درآمدی است کوتاه بر فضای کلی نمایشگاه که در سبک و شیوه رئالیست جانویی را از سر می‌گذارد و در مکتب سوررئال پیر می‌برد. در آن برخوردی دیگر گونه با نور و قاف شده‌است که از جنبه به از جنبه سخت‌گیر شتاب و پر حرارت مکتب فاعلی بلکه در حیطه مکتبی

سوررئالیسم (Surrealism) جنبشی در هنر و ادبیات که طی دهه‌های ۱۹۲۰-۱۹۳۰ در فرانسه شکل گرفت. بنای این مکتب بر اصل است خیال، رویا و تخیل آزاد و تصورات ضمیر ناخودآگاه است. واقعیت برتر نزد هنرمند سوررئالیست، توهمات و تصورات نامتعارف و غیر معقول ناخودآگاه است.

به دنبال پیر سوررئالیسم، میراث‌دار جنبش سوررئالیسم در هنر میانی است بر پویش و کنش‌کار در سراسر فضا و تجربیات انسانی و مسط و گسترش عرصه واقعیات مختلفی از طریق نظم بخشیدن به واقعیات غریزی و رویایی. در این جنبش هم آلود تئمی گرایشات، نظرات و روش‌های متنوع نامتجانمی را که بزرگ‌تر بر جسته آب باطن تسلط و خرد آگاهی است در بر می‌گیرد اگر چه طیف مشتاقان این رویکرد بسیار متنوع است اما می‌توان سه رویکرد متمایز را در آن دید. (۱) رویکردی که از روشهای خود انگیزه همچون بر گردانی نامتعارفی (Eccentricité) به جهت

بزرگداشت زنده یاد بهرام خائف در خانه هنرمندان

یادبود خالق رنگین کمان



است. کودکانه از آن حیث که او با آگاهی و پیشی وسیع با به دامنه پرنشاط بچه‌های ایران زمین گذاشته و درون کودکان هموطنش را بسیار فمیده و به همین واسطه با گذر از ذهن کودکان این عزیزان در گستره‌ی وسیع‌تر یعنی انبیشه کودکان سراسر جهان وارد شده است.

طراحی‌های بی‌ادعای او در عصر هنر مدرن خلق شده‌اند اما نشانه‌ها و هویت ایرانی را ضمیمه آبا کرده است و بدون آنکه از عناصر کهنه فرهنگ کشورش سود ببرد آنها را در طرف هنر و فکر مردم مشرق زمین می‌ریزد و در دنیای رنگین کمان کودکان ثبت می‌کند و این امر تا آنجا قدرت و توان می‌یابد که می‌تواند او را بدون چون و چرا از بینگاران هنر مدرن تصویرسازی ایران دانست که در تصویرسازی کتاب «حکایت‌نامه» بخوبی قابل مشاهده است.

بهرام خائف فارغ از دنیای کودکان در دیگر عرصه‌ها نیز به

هر ماه کتاب کودکانی ورق می‌خورد در کنار آهنگ خوش نوشته آن حاشیه‌ساز تصویرها است که جسم کودک را واقعیت می‌بخشد و در ذهنش نقش ماندگاری حک می‌کند به بیان بهتر غالباً پویایی تصویر است که بر گویایی قصه‌پیشی می‌گیرد و با کنجکوی ناشی از شیفتگی کودکان، مصور کتاب در فکر و اندیشه مخاطب جای می‌گیرد بطوری که کودک با نگاهی بر تصویرها خواندن کتاب را دوباره از زبان خود از سر می‌گیرد این کودک خواندن نمی‌داند و تنها ذهن خالی تصویرها که در پشت نقاب چهره‌های معصوم نقاشی‌ها پنهان شده‌اند می‌کند و آن را به شیوه خود می‌خواند و این در حالی است که کمترین توجه به آفریننده‌های نوشته‌ها از شکل نوشتاری آن در ریختن آن قالب رنگ و طرح می‌شود. پایین وجود در سالیانی اخیر تصویرگری در ایران جانی دیگر به خود گرفت و حیاتی زنده‌تر در پیش روی خود دید که در پی آن چهار دوره نمایشگاه تصویرگری با همت انجمن تصویرگران ایران برگزار شد که در چهارمین نمایشگاه انواری تصویرگران کتاب کودک در ۲۶ آبان ماه یاد مرحوم بهرام خائف را در خانه هنرمندان ایران بار دیگر زنده کردند.

بهرام خائف این هنرمند مسلط بر دنیای رنگین کودکان، در سال ۱۳۵۲ در شیراز با به دنیای کودکی خود گذاشت و پس از گذراندن دوران جوانی خود و اخذ دیپلم از هنرستان هنرهای زیبای پسران در سال ۱۳۵۲ در رشته نقاشی از دانشکده هنرهای زیبای فارغ‌التحصیل شد و در همین سال بود که فعالیت‌های هنری خود را به عنوان طراح و انیماتور در مرکز سینمایی کانون آغاز کرد تا اینکه در سال ۱۳۷۸ با برگزاری نمایشگاهی جهت معرفی و پر ۳۰ سال کار هنری‌اش به این فعالیت‌ها انجام می‌بخشد. خائف پس از طی ۳۹ سال حضور مداوم و مستمر خود در عرصه هنر تصویرگری در اواخر عمرش یعنی در سالی که تنها یک سال مجال برای زندگی داشت وارد عرصه جنبیدی از نوآوری و تکنیک هنری خود می‌شود. گو اینکه بازی دیگر از دل خلاقیت و تازگی ذهن و قلمش دوباره متولد می‌شود. او در مجموعه کار جدید خود که در همین سال اخیر خلق کرده وارد مرحله جنبیدی از هنر می‌شود که همین تولد دوباره او را به دریافت جایزه نقیص نمایشگاه بولونیای ایتالیا در بهار سال ۱۳۸۲ برای تصویرسازی کتاب «حکایت‌نامه»، دریافت جایزه ویژه نمایشگاه تصویرگران کتاب کودک برای دو کتاب «کوتاه و گویا» و «اینویون ماه» در پاییز ۱۳۸۱ و جایزه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نایل می‌کند.

از سوی دیگر ابوالفضل همتی آهویی، خائف را به حق «رافاتل تصویرگری ایران» می‌داند که این خود بیانگر تسلط و احاطه گسترده و عمیق خائف در امر طراحی است که اینها همه پتانسیل جسامت بی‌حد و بی‌انرا و خلق تکنیک‌های جدید با به کارگیری قلموی کودکانه‌اش در تصویرسازی کتاب

تصویرسازی پرداخت و هنر تصویرسازی او در اشعار زندانه و پر رمز و راز حافظ او را به شکل حافظی دیگر در قالب رنگ و طرح معرفی می‌کند و تا آنجا هم سطح و هم پای این شاعر بزرگ ایرانی گام برمی‌دارد و حرکت می‌کند گو اینکه میان شاعر قرن هفتم و تصویرگر قرن بیستم نمی‌توان فاصله و زمانی قائل شد در نگاهی دیگر به تصویرسازی شعر مادر پروین اعتصامی و همچنین شعر مادر ابرح میرزا عذوق و لطف دست‌های مادر در چشم‌های همیشه نگران مادران تجلی گرم‌ها و حرارت این اشعار را در چندان کرده و به آن هویتی تازه بخشیده است.

در تمام سال‌های رنگین زندگی این تصویرگر زنده یاد دیپلم‌های افتخار و جوایز ارزنده‌ی به روح هنر او تقدیم شد که از آن جمله می‌توان از جایزه جهانی قشتال بولونیا به خاطر کتاب «نوکاه» در سال ۱۳۵۷، دیپلم افتخار اولین نمایشگاه تصویرگران کتاب کودک و نوجوان در سال ۱۳۶۸ و دیپلم افتخار نمایشگاه آسیایی تصویرگران کتاب کودک در سال ۱۳۷۰ نام برد. از دیگر کتاب‌های تصویرگری شده توسط او درخت بلوط، رنگین کمان، خانه موسیکه، پاییزی‌ها و ... را می‌توان یادآور شد.

در پس تمام این نگه‌ها و یادآوری‌ها تنها یک چیز باقی می‌ماند و آن یاد ذهن و زبان مرحوم بهرام خائف تصویرگر بزرگ ایران که در پی آن باز هم به کتاب‌های تصویرگری شده توسط او برخورد می‌کنیم که هر روز در میان دست‌ها و نگاه‌های معصوم کودکان ورق می‌خورد و برای آبا ندامت دنیای بزرگتری را می‌کنند که در سال‌هایی به چندان دور در آن پا می‌گذارند.

پس دفتر فنیای رنگین بهرام خائف را هیچ وقت نمی‌توانیم و یاد زنده یاد او را همیشه زنده نگه می‌داریم.





فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان



فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

گفت و گو با جعفر نجیبی، مجسمه ساز به تخیلات کودک کی ام زیباشناسانه نگاه می کنیم

جعفر نجیبی

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان



فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

بزرگداشت زاده یاد پیرام خائف در خانه هنرمندان یادبود خالق رنگین کمان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

فرهنگستان
فرهنگستان
فرهنگستان

موزه هنرهای معاصر، میزبان ششمین دوسالانه نقاشی است

تفکر نسل جوان ایران باشد. دوما، خلایق هنرمندانه برای اجرای جس درونی هنرمندانه حد و مرزهای مساحت می‌کند.

تسویک- زوج چنگ یکی دیگر از اعضای انجمن در ادامه افزود: «توانایی نقاشان ایران برای بیان درون‌شان به زبان هنری در سطح بالایی است.»

محمدرضا فیروزبی عضو شورای سیاست‌گذاری موزه هنرهای معاصر تمام اهداف بی‌پایان را متوجه نیروی هنرمند جوان کشور و ایجاد برنامه‌ی جهت شناخت هرچه بیشتر و عمیق‌تر هنر نقاشان نامی و بزرگ ایران می‌داند و تاریخ اهدای جوایز را روز سه‌شنبه ۱۸ آذر ۱۳۸۲ رأس ساعت ۱۶ در موزه اعلام می‌کند.

انجمن هنرمندان نقاش ایران در این نخستین تجربه خود در برگزاری دوسالانه‌های نقاشی ایران کوشیده است با تکیه بر تجربه خود در برگزاری دوسالانه‌های نقاشی ایران و با توجه به تجربه‌های قبلی مسیر نقاشی ایران و دستاوردهای دوسالانه‌های گذشته، به معرفی چهره معاصر این هنر و استعدادهای جوان بپردازد.



کاری از ۳۳ هنرمند معاصر نیز در بخش خارج از مسابقه به تماشا گذاشته شده است. «چنانچه شوه عضو هیات داوران متولد چین در مورد ملاک انتخاب آثار گفت: «او ملاک اصلی برای گزینش آثار از میان این مجموعه عظیم وجود داشت. او را باید انتخاب می‌کردیم و

و دآوری مورد ارزیابی قرار گرفت. هیات انتخاب متشکل از پاره داور داخلی و خارجی پس از دو مرحله دآوری اولیه و انتخاب از میان اسلایدها و سپس اصل‌کاریش از ۱۴۰ اثر از ۱۰۱ هنرمند را به بخش دوسالانه ششم معرفی کردند. جدا از این آثار بخش مسابقه.

گروه فرهنگی-سازا ساسانی، ساعت حدود چهار بعد از ظهر بود که هنرهای موزه هنرهای معاصر همزمان با افتتاح ششمین دوسالانه نقاشی به روی میزبانان داخلی و خارجی باز شد. جمعیت هنرمند ایرانی برای بازدید از هنرهای منتخب این دوره از دوسالانه موزه هنرهای معاصر وارد سالار شدند. ششمین دوسالانه نقاشی معاصر ایران با هدف اعتلای فرهنگی جامعه معاصر ایران از طریق ایجاد فضای جهت تعالی بخشیدن به خلایق هنری فردی و فکر نهادن به دستاوردهای تحسین‌برانگیز هنرمندان جوان و مستعد کشور و معرفی تجربیات تازه پیشگامان هنر معاصر ایران به دنبال برگزاری بی‌پایان نقاشی از سوی انجمن هنرمندان نقاش ایران و با حمایت مرکز هنرهای تجسمی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ۱۷ آذر ساعت یک‌ده در موزه هنرهای معاصر برگزار شده است.

به دنبال فراخوان برای شرکت در این دوسالانه تعداد ۱۱۵۸ هنرمند از سراسر کشور ۲۷۶۸ قطعه اسلاید از آثارشان را به دبیرخانه ارسال کردند که از این میان ۱۱۵۸ اثر از سوی هیات انتخاب

فقط‌الدین صادقی در پنجمین جشنواره تئاتر بین‌المللی ایران زمین

ما میراث‌دار نسل کهن نیستیم

برخوردار باشد

وی همچنین افزود: برای تبدیل کردن کار کهن به نمایش باید با برداشتی نو و نگاهی به شرایط اجتماعی-سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه امروزی، این کار صورت گیرد و زبان نو به عنوان یک ویژگی اصلی که حاوی نمادها، مجازها و غیره است، نقش بسیاری در تبدیل آثار دارد. محمد شریف‌خانی رئیس مرکز هنرهای نمایشی اظهار داشت: یکی از

به سبب‌های آینه مسوولیم، وی به پنج ویژگی کار کهن جهت تبدیل شدن به نمایش اشاره کرد و گفت: «اگر برای تبدیل شدن به نمایش، باید دارای قابلیت‌هایی شامل ظرفیت و استعداد و قابلیت درامتیزه شدن باشد که ضمن برپایی موقعیت لازم است شخصیت نیز از پس‌پایی و تحرک مناسب، برداشت‌های فردی شناخت سبک‌ها و ژانرها، ویژگی‌های فنی و هنری و زمانی

دومین روز از برگزاری همایش جشنواره بین‌المللی تئاتر ایران زمین با سخنرانی «برام بیضایی» با موضوع بررسی ظرفیت‌های نمایش متون کهن ایران زمین پایان یافت.

دکتر قطب‌الدین صادقی-کارگردان تئاتر- یکی از شرکت‌کنندگان در این جشنواره روز گذشته در همایش بررسی ظرفیت‌های نمایش متون کهن ایران و جهان که همزمان با پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر ایران زمین برگزار شد، گفت: «ما میراث‌دار نسل کهن نیستیم بلکه مانند میراث‌دار کهن هستیم و نسبت

زمینه‌های کارشناسی برپایی جشنواره ایران زمین در خوزستان بنا به پروژ همین استعدادها و سابقه تاریخی و باستانی آن دیار است که می‌توان ادعان داشت خوزستان برآیند فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون است. برای نخستین بار در همین جشنواره ایران زمین بود که مراسم گشایش و اجرای نمایش‌ها در کلبه و اماکن تاریخی برگزار شد و این فرایند و خوی‌شوقی فرهنگی میان‌شهر و معماری و آثار باستانی یکی از اهداف جشنواره ایران زمین است که گامی در جهت اعتلای و احیای فرهنگ ایران زمین است.

چه کسانی یو توبین های ادبیات می خوانند



گروه فرهنگی، مدیر توبین ادبیات، در حال برگزاری جلسه با نویسندگان و منتقدان.

گروه فرهنگی، مدیر توبین ادبیات، در حال برگزاری جلسه با نویسندگان و منتقدان. این جلسه با هدف بررسی و نقد آثار ادبی و فرهنگی برگزار شده است. در این جلسه، مدیر توبین ادبیات با نویسندگان و منتقدان گفتگو کرد و به بررسی آثار ادبی و فرهنگی پرداخت.

گروه فرهنگی، مدیر توبین ادبیات، در حال برگزاری جلسه با نویسندگان و منتقدان. این جلسه با هدف بررسی و نقد آثار ادبی و فرهنگی برگزار شده است. در این جلسه، مدیر توبین ادبیات با نویسندگان و منتقدان گفتگو کرد و به بررسی آثار ادبی و فرهنگی پرداخت.

گروه فرهنگی، مدیر توبین ادبیات، در حال برگزاری جلسه با نویسندگان و منتقدان. این جلسه با هدف بررسی و نقد آثار ادبی و فرهنگی برگزار شده است. در این جلسه، مدیر توبین ادبیات با نویسندگان و منتقدان گفتگو کرد و به بررسی آثار ادبی و فرهنگی پرداخت.

گروه فرهنگی، مدیر توبین ادبیات، در حال برگزاری جلسه با نویسندگان و منتقدان. این جلسه با هدف بررسی و نقد آثار ادبی و فرهنگی برگزار شده است. در این جلسه، مدیر توبین ادبیات با نویسندگان و منتقدان گفتگو کرد و به بررسی آثار ادبی و فرهنگی پرداخت.

آیین آهنگداری

تألیف دوسالانه غیر قابل انکار است

آیین آهنگداری، تألیف دوسالانه غیر قابل انکار است. این آیین با هدف بررسی و نقد آثار ادبی و فرهنگی برگزار شده است. در این آیین، مدیر توبین ادبیات با نویسندگان و منتقدان گفتگو کرد و به بررسی آثار ادبی و فرهنگی پرداخت.

دومین جشنواره رسانه و خبرنگاران برگزیده کتاب برگزار شد

این مراسم با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و دست اندکاران مطبوعات برگزار شد.



گروه فرهنگی، مدیر توبین ادبیات، در حال برگزاری جلسه با نویسندگان و منتقدان.

گروه فرهنگی، مدیر توبین ادبیات، در حال برگزاری جلسه با نویسندگان و منتقدان. این جلسه با هدف بررسی و نقد آثار ادبی و فرهنگی برگزار شده است. در این جلسه، مدیر توبین ادبیات با نویسندگان و منتقدان گفتگو کرد و به بررسی آثار ادبی و فرهنگی پرداخت.

سمت و سوی تلویزیونی شدن داوری فیلم فجر

سمت و سوی تلویزیونی شدن داوری فیلم فجر. این موضوع با هدف بررسی و نقد آثار ادبی و فرهنگی برگزار شده است. در این موضوع، مدیر توبین ادبیات با نویسندگان و منتقدان گفتگو کرد و به بررسی آثار ادبی و فرهنگی پرداخت.

کمال الدین ییزاد نگار نگارگری ایران



کمال الدین ییزاد نگار نگارگری ایران. این نگارگری با هدف بررسی و نقد آثار ادبی و فرهنگی برگزار شده است. در این نگارگری، مدیر توبین ادبیات با نویسندگان و منتقدان گفتگو کرد و به بررسی آثار ادبی و فرهنگی پرداخت.

ایروز ترا ششروز فردا نیست و اندیشه فردا نیز سودا نیست

کاتب بانی عمر را به یاد آید



گروه فرهنگی، مدیر توبین ادبیات، در حال برگزاری جلسه با نویسندگان و منتقدان.

گروه فرهنگی، مدیر توبین ادبیات، در حال برگزاری جلسه با نویسندگان و منتقدان. این جلسه با هدف بررسی و نقد آثار ادبی و فرهنگی برگزار شده است. در این جلسه، مدیر توبین ادبیات با نویسندگان و منتقدان گفتگو کرد و به بررسی آثار ادبی و فرهنگی پرداخت.

«فلم ملای» بلگرد برای تصویرگران ایرانی

«فلم ملای» بلگرد برای تصویرگران ایرانی. این فیلم با هدف بررسی و نقد آثار ادبی و فرهنگی برگزار شده است. در این فیلم، مدیر توبین ادبیات با نویسندگان و منتقدان گفتگو کرد و به بررسی آثار ادبی و فرهنگی پرداخت.

آیین و جهان نماز ایران



آیین و جهان نماز ایران. این آیین با هدف بررسی و نقد آثار ادبی و فرهنگی برگزار شده است. در این آیین، مدیر توبین ادبیات با نویسندگان و منتقدان گفتگو کرد و به بررسی آثار ادبی و فرهنگی پرداخت.

کمال الدین بهزاد نگار نگارگری ایران



گروه فرهنگی، سارا ساسانی هنرنگارگری ایران با حفظ پیشینه فرهنگی و قبول رنگامپه‌هایی اسلامی در حوزه هنر مشرق زمین هنرمندان بزرگ و نامی چون کمال الدین بهزاد، هنرمند بزرگ مینیاتور ایران را بر طراوت رنگین صفحه خود نگاشته است.

کمال الدین بهزاد به کمال رساننده مستبای عظیم مینیاتور ایرانی همچون عقیلی است گرانبه‌ای که برانگشتی مینیاتور اسلامی جای گرفته، او با نثاری به آهت و نشانه‌های قرآن، هنر معنویت‌گرایی اسلامی را به لوح و کمال خود می‌رساند و با هنر متعالی برگرفته از عرفان، مکتب تئریز را بنا می‌نهد.

فرهنگستان هنر ایران نیز با لحاظ گرفتن سبک و شیوه ایرانی استاد کمال الدین بهزاد طی برنامه‌هایی ویژه به باری سازمان میراث فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دانشگاه هنر اسلامی تئریز و استانداری استان آذربایجان شرقی همایش بین‌المللی با عنوان بزرگداشت استاد کمال الدین بهزاد مدلت سه روز از ۲۲ الی ۲۷ آذرماه در تهران و تئریز برگزار می‌کند که بیرون آن دکتر علی اصغر شعر دوست به عنوان دبیر کل همایش، محسن زارع به عنوان دبیر اجرایی همایش بهزاد، عبدالمجید شریف زاده دبیر علمی همایش و دکتر سلیمانی قائم مقام دبیر کل همایش، کار هدایت و سازماندهی همایش در تهران و تئریز را بر عهده دارند. این همایش که پس از دو همایش مقدماتی در بهمن ماه ۱۳۸۱ و آذرماه

در آذر ۹۹ تن از هنرمندان نامی ایران در قالب حلقت تقسی پیرامون استاد بهزاد در گالری خیال واقع در مجموعه فرهنگی و هنری صبا به نمایش گذاشته شده است که در آن ذهن و زبان بهزاد نگار نگارگری ایران از صافی اندیشه بزرگان هنر ایران زمین عبور می‌کند و بر صفحه طرح و رنگ می‌نشیند و همچنین می‌توان از کتاب‌هایی چون «بهزاد در گستان»، «نگار نگارگران» و «پادشاه بهزاد» که به این مناسبت به چاپ رسیده‌اند یاد کرد.

در ادامه این نشست مسئولین شریف زاده ضمن گرامیداشت هنر متعدد هنرمند عارف و کمال الدین بهزاد به محل دفن این استاد بزرگ در تئریز در محلی به نام «ولیان کوه» اشاره کرد که مقبره استاد بهزاد و شیخ کمال خمینی در این مکان با نام «باغ کمالین» آرام می‌گیرند و این امر به استناد اشاراتی در کتاب‌های «مرفع» میراد میرزا از شیخ دوست محمد و همچنین «روضه الجنات» از شیخ حسین کریمایی به ثبت رسیده است.

همایش بین‌المللی برگزار داشت استاد کمال الدین بهزاد صبح امروز ۲۲ آذرماه در تالار وحدت با حضور دکتر سید محمد خاتمی، رئیس جمهور و ایراد سخنانی از سوی سید حسین موسوی در کنار اجرای برنامه‌هایی ویژه افتتاح می‌شود و در روزهای چهارشنبه ۲۶ آذر و پنجشنبه ۲۷ آذرماه در تئریز ضمن بازدید از مدفن این استاد گرانقدر به کار خود پایان می‌دهد.

در سه گروه تاریخی (شرح احوال وی و هم عصرانش)، تجزیه و تحلیل آثار او (که به نکات تجسمی و تصویری این آثار می‌پردازد) و آثار تطبیقی (با دیگر هنرمندان در این حوزه مطابقت داده می‌شود) تقسیم کرد.

در راستای همایش بین‌المللی کمال الدین بهزاد نمایشگاه‌هایی با عنوان «مروری بر نگار نگارگری معاصر ایران» و «بهزاد در خاطر و خیال من» افتتاح شد که

۱۳۸۲ در دانشکده هنر تئریز و اصفهان برگزار می‌شود در پی دریافت ۹۰ مقاله از سوی دوماستاران روح هنر استاد بهزاد، از مجموع ۵۸ مقاله داخلی و ۳۲ مقاله خارجی با دقت و ژرفایی بسیار ۱۷ مقاله در داخل کشور و ۱۱ مقاله در سطح جهان از سوی کشورهای چون آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، تاجیکستان و... پذیرفته شد. با توجه به مقالات ارسالی می‌توان آثار بهزاد را

گسره فرهنگی، مسارا سلسلی و کمال الدین بیراده، بزرگترین و مشهورترین نقاش مینیاتور ساز ایرانی در قرن دهم هجری با نگاهی معنوی و روحی سوداگر و شیدا بر صفحه نگارگری مشرق زمین شیره‌ی خاص یافت. آنچنان که گسره مینیاتور ایران را در سطره و تملک خود در آورده و همین قبول عام یافتن روح هنر او بود که جمعیت کثیری از هنرمندان نامی و معاصر داخل و خارج از کشور را در صبح روز دوشنبه ۲۴ آذرماه ۱۳۸۲ در تالار وحدت گرد هم آورد و این روز بزرگ را در همایش بین‌المللی با عنوان «بزرگداشت استاد کمال الدین یزاد» به دوستان هنر و هوای مینیاتور ارزانی داشت.

این همایش با حضور رئیس جمهوری و احمد مسجد جامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد برگزار شد. در این مراسم مهندس میرحسین موسوی، رئیس فرهنگستان هنر ایران به عنوان نخستین سخنران پیرامون این همایش بین‌المللی اظهار داشت: هدف از طرح این همایش نگاهی خلاق و نوگرا به میراث هنر ایران است و ادامه داد: «واپس گرابی و باقی ماندن در چارچوب سنت مطرح نیست چرا که سنت به هیچ وجه نمی‌تواند پاسخگوی

با حضور رئیس جمهوری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و دکتر میرحسین موسوی

همایش بین‌المللی کمال الدین بهزاد آغاز شد

سوال نسل معاصر باشد. نیاز امروزی است پس هویتی روشن و جایگاهی مطمئن برای حرکت در مسیر هنر داریم.» رئیس فرهنگستان هنر، به قلب هنر در دنیای مدرن و رابطه‌اش با گذشته اشاره کرد و گفت: «ما قصد نداریم که هنر را از قالب‌های مدرن و امروزی آن به ناپایداری و پرتاب کنیم و در مسیر بازگشت به میراث فرهنگی کشورمان لزوم برپایی یک چنین همایش‌هایی از سوی فرهنگستان هنر بسیار احساس می‌شد که در همین راستا همایش بین‌المللی بزرگداشت استاد کمال الدین یزاد در جهت قدر نهادن به مقام بی‌نظیر استاد یزاد به باری و حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد، سازمان میراث فرهنگی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز و استانداری استان آذربایجان شرقی در تیران و تبریز برپا می‌شود.

در ادامه این همایش سید محمد خاتمی، رئیس جمهور هنر دوست ایران که با حضور خود جان دیگری به همایش داده بود، ضمن گرامیداشت یاد و نوازه

نگاه نقاش به مکتب سوررئالیست (در سال ۱۹۲۲) اشاره می‌کند: «سوررئالیست بیان آزادانه تفکر است و اینکه این مکتب تاج‌حده حق مطلب را ادا کرده است، باید از سوی منتقدان هنر قضاوت شود.» سید محمد خاتمی در پایان سخنانش با ارج نهادن به مقام شامخ و یگانه استاد کمال الدین یزاد این اقدام را آغازی بسیار ارزشمند در جهت میراث‌داری فرهنگ غنی ایران می‌داند. در پایان جلسه صبح روز دوشنبه ارکستر سمفونی به سرپرستی محمد خیدری قطعه‌ای با عنوان «کمال الدین یزاد» یکی از آثار استاد و شاهین فرهت را به میهمانان همایش هدیه کردند و ادامه کار همایش را به تقدیر رسمی آثار استاد بهرامیوند دادند.

جلسه تقدیر رسمی آثار «کمال الدین یزاد» به اعضای پانل تخصصی و آکادمی شد. این جلسه به مدیریت آقای دکتر اکبر تجویدی با حضور استادی چون محمود فرشچیان، استاد نگارگری معاصر ایران، خاتم‌آریان، مؤلف کتاب شرح حال یزاد و مهندس مهدی حسینی و خاتم اشرف عینی به تجزیه و تحلیل آثار یزاد و روزگاری پرداختند. این همایش بمدت سه روز (۲۲ تا ۲۷ آذرماه) در تیران و تبریز به کار خود ادامه می‌دهد.

در گذر و هیاهوی تندیته تیره درون انسان شخص نوری میان این آندو شده با می گذارد و به لبست صورت تندیته هاتر فیلتر چشم های نورانیست ستمی بازه این شخص دو منظر بر رهیافتن زندگی از رانوری و جود انسان است اما نیمی طرف و بی تفاوت بلکه هم گام و هم قدم با شتاب و پیچیدگی های اجتماع در نگاه انیم آیز این انسان ها فرو می رود تا اینجا استغراق این چشم های رمزگشای می شود که خود را با آلیاژی و یکدست می داند.

که مرا به سفر و گذر در میان کشورها متعده می کشد. و همین نوع نگاه انسانی است که زیاده و کم را برآورد و به صورتی و جسمی از سوی شما با معادلت عکسبایان است. حیدر دست است من در ابتدا کار عکاسی را در شبه های مختلف تجربه کردم و چهره های ساخته و پرداخته تصویر کردم اما در اقامت که این دنیا من نیست و بتر فیدم تا پیش از این طریق در آن نشوم، در نهایت تصمیم گرفته که این بار من به سراغ مردم بروم و با

با نوع برخورد آنها با مقوله تصویر و عکس نشاندم و فقط در این افق های هشتم که به نظر من است. حیدر می بیند. شما چهره آنها باید جانب باشد؟ نه فقط چهره و صورت. خیلی حواس دیگر هم در این نقش دارند مثل نوع پوشش، طرز برخورد آنها با من و نور چشم و شما در ایران آدم ها را چگونه ببینید و چه تفاوتی میان ایرانیان با مردم دیگر ملت ها حس کردید؟ من منتظر زیادی را از ایران سیری نگذاهم

در قسمت تاریخچه عکاسی جای گرفته اند اما شما که در دو زمینه عکس سیاه و سفید و رنگی تجربه دارید چطور تفاوت میان این دو می بیند و به چنان دیگر رنگ را تا چه حد در عکس موثر می داند. تصویر سیاه و سفید در واقع قتل یافته عکس رنگی است چرا که در سیاه و سفید شخصی از من می رود که آن صحنه همان رنگ است و این در حالی است که عکس رنگی جلوه تاریکی بیشتری در عود دارد و جازی و معنق در روزمرگی زمان پیش می رود اما سیاه و سفید در چشم عام متعلق به گذشته می نماید.

گفت و گو با لئون کاندل (Leo Kandl) عکاس اترینی

نگاه های پنهان در پس پرتره ها

سارا سامعانی



لئون کاندل (Leo Kandl) عکاسی است اترینی که خود را همچون پرتره های گذر می داند و عمری را با آلبوم می برد به گونه ای که با کاراکتر این پرتره ها هم عصر و هم در می شود تا بتواند هر چه پیر و عمیق تر به ذات و درون آنها وارد شود.

لئون کاندل متولد ۱۹۲۴، شیرمستانخ در ایالت مانتسایا در اتریش است. تحصیلات فراخ تحصیل شده و فعالیت هنری خود را بطور جدی از سال ۱۹۷۰ آغاز کرده و به نشان آن با روزنامه وین در حیطه عکاس خبری همکاری می کند و طی آن جایزه شایستگی عکاسی و از سوی وزارت آموزش هنر اتریش از آن خود می سازد.

او با شایستگی تمام در تصایف ناتورالیسم (Naturalism) بر می خورد و با نگاهی واقع گرا به شهرها و ایالاتی چون وین، آمریکا، لندن و... سفر کرده و بعد از جست و جوی کشف کلو در میان مردم این نواحی به عکاسی در قالب پرتره پرداخته است.

با بازگشت به گذشته عکاسی در جهان با عکاسی پرتره در دهه ۸۰م به روش دکتر توتینی و بخورد می کنیم که در این میان نام نامی (۱۹۲۰-۱۹۹۱) به عنوان یکی از عکاسان معروف پرتره به گوش می خورد اما کاندل با آگاهی از پیشینه عکاسی پرتره با افقش می گذارد به شیوه دیگری که از نوع ساختن ساز نادر بلکه به روش ساختن شکن خود در این حیطه موثر واقع می شود.

لئون کاندل جدی پیش به ایوان سفر می کند و در همین راستا در ۱۵ آذرماه به مدت یک هفته جشن فرهنگی اتریشی برپا نمائیدگی از گذر پرتره های عکاسی ترش می یابد و پس از حضور کار او در گالری سرو واقع در شهر شیرا به گفت و گو با این عکاس پرتره شستیم که در این گفتگو:

چرا ایران؟

من آمریکایی و اروپایی را دیده ام و میال های متعددی در آنها پس برده ام. به نشان کاراکترهای بیفته در عکسهایم قصد کردم تا در آنها نیز با یکدیگر و از این میان ایران را به این علت که جزو کشورهای اسلامی است و همچنین جمعیت بسیار دارد، انتخاب کردم. و چرا ایران کشورهای اسلامی خود میانه اینجا را انتخاب کردید؟ من در پی ایجاد نوعی ارتباط هستم و ایران هم راه ارتباطی و پیوندی است میان اروپا و آسیا و در ضمن به علت فرهنگ غنی و تمدن چند هزار ساله می است که ایران از آن بر خوردار است و نگاه های پنهان در پس پرتره ها است.

در ابتدای عکاسی برای ثبت واقعیت های زمانه پشت دوربین عکاسی قرار گرفته و بر این عقیده بودم که می توان واقعیت ها را همانطور که هست ثبت کرد اما بعد از اینکه سانهایی را از سر گذاردم یخویی دریافت که شاعر دوربین به تنهایی قابلیت ثبت سادگانه واقعیت زمانه را ندارد.

و مدت ماندن در این کشور به چهار یا پنج روز محدود می شود اما در همین زمان کوتاه یخویی دریافتم که مردم در اینجا بسیار دقیق و جدی به مقوله عکس و عکاسی می پردازند و این خود نگاه داشت من نسبت به این جامعه را بر می انگیزد. مردم ایران تا حدی نسبت به لنز دوربین عکاسی با بیگانه داری این اعتماد هستند و بهر بگویم همیشه سعی بر حذف خود از داخل کادر دوربین دارم. من هم در این معاد کورانه تا بلایه ای می دلم. البته شاید فراموش کرد که در تاریخ عکاسی ما همیشه شاهد گذر این چنینی بودیم و اکثر مردم نسبت به دوربین از خود واکشی نشان می دهند و این کار را برای عکاس دشوارتر می کند.

وقتی به تاریخ عکاسی بر می گردیم با عکاسی سیاه و سفید برخورد می کنیم که

صداقت و یکدستی از جسم دانستی و پاکی در نشان بنامیده طبیعت را به آنها اوزانی کنیم. برقراری ارتباط با آدم های اطرافتان را در چه شیوه ای خلاصه می کنید؟ این رابطه همیشه با سوالاتی چون چیزی از سوی مخاطب که شما چرا به این شکل عکاسی می کنید؟ شروع می شود پس از آن با نام و آرد بحث می شود و نظار به او نشی می شود که در نهایت خود را هم حس من باند و تا جای همگام با هم پیش می روم که برای من از سرگشته زندگی نش می گیرد. پس این آدم ها هستند که به سراغ شما می آیند؟

وقتا همیشه است. وجه غالب عکسبایان افکار و کاراکتر پرتره می است که لنز دوربین شما متوجه او شده است.

بعد از این تصویرها به کاراکترها خیلی واقعی و عظیم پرداخته شده است و من هیچ درختی

شما پیش از این در کارتان به نوعی به بازی با لباس و ایجاد پیچش در حالات و حرکات لباس ها پرداخته اید. این لباس ها با وجود آنکه انسان ظاهری را در خود می بندد و جوی ایمن آیز را در خود نمایان می کند. بلد این لباس ها چیزی است از انسان ها که به بازی آن از ریخته گی و ریخته پردازی در تصویرهایم چشم می پوشد و به اختصار به بیان و جوی بی حضور پرداخته ام و ترو می نمی بینم که حتما فلیک و ظاهر انسان را در عکسهایم نمایان کنم و من بر این باور هستم که لباس ها دیرین و اثر آفرین هستند و من در این عکسها تفاوت درون ها و بیرون ها را حس و جو کرده ام که این تفاوت در مردم ایران همانند خواران روحانی به فراتر از پوشش ظاهری آن کاملاً مشهود است. تا چه حد از عکس ها و عکاسان ایرانی می نماند؟

من از سانهایی پیش از این با آثار عکاسان ایرانی آشنایی دارم و اولین عکسهایی که از عکاسان ایرانی دیدم در نمایشگاهی در شیراز و گالریه اتریش در قالب مجموعه ای از عکسهای رنگ عکاس ایرانی بود که در حال حاضر با تعدادی دیگر از عکاسان ایرانی همچون سوسن حیدم و شیرین شاد همیش شده ام و پیرامون عکاسی بسیار صحبت کردیم و نکته ای که خیلی توجه مرا به خود جلب کرد وقت و طرافت نگاه عکاسان ایرانی بود اما این آشنایی تنها در خصوص پیشگوییان عکاسی ایران بوده و من دوست دارم تا هر چه بیشتر و بیشتر با عکاسان جوان ایرانی آشنا شوم و آنها را پیش از این بشناسم.

در لایه لای این لحظات پایانی گفت و گو از گذر زمان و تاثیر شرایط محیط بگویم که تا چه حد نوشته است در نگاه و نوع پردازش شما در مقوله عکس مسلط شود؟

در ابتدای عکاسی برای ثبت واقعیت های زمانه پشت دوربین عکاسی قرار گرفته و بر این عقیده بودم که می توان واقعیت ها را همانطور که هست ثبت کرد اما بعد از اینکه سانهایی را از سر گذاردم یخویی دریافت که شاعر دوربین به تنهایی قابلیت ثبت سادگانه واقعیت زمانه را ندارد. و من نسبت به این جامعه را بر می انگیزد. مردم ایران تا حدی نسبت به لنز دوربین عکاسی با بیگانه داری این اعتماد هستند و بهر بگویم همیشه سعی بر حذف خود از داخل کادر دوربین دارم. من هم در این معاد کورانه تا بلایه ای می دلم. البته شاید فراموش کرد که در تاریخ عکاسی ما همیشه شاهد گذر این چنینی بودیم و اکثر مردم نسبت به دوربین از خود واکشی نشان می دهند و این کار را برای عکاس دشوارتر می کند. وقتی به تاریخ عکاسی بر می گردیم با عکاسی سیاه و سفید برخورد می کنیم که

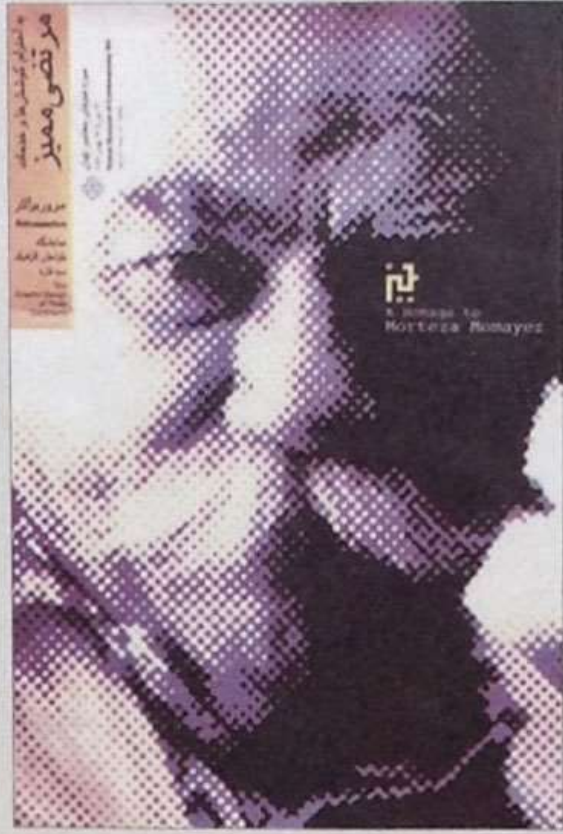
روزنامه خبری - تحلیلی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، ورزشی

روزنامه خبری - تحلیلی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، ورزشی

روزنامه خبری - تحلیلی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، ورزشی

روزنامه خبری - تحلیلی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، ورزشی

بزرگداشت مرتضی ممیز در سه قاره



او در همین راستا با ذکر عنوان نمایشگاه از حضور کار دیگر هنرمندان معاصر از سه قاره جهان یاد کرد و اظهار داشت که این نمایشگاه نمایانگر تحولات معاصر در هنر جهان است و علاقه مندان به هنر می توانند گرافیک معاصر ایران را در کنار و همبای گرافیک معاصر جهان شاهد باشند.

تصویرگری های معیز، طراحی آرم و بخش دیگری با نام طراحی گرافیک شامل پوستر و جلد کتاب همچنین عکس و چیدمان، پیلورد بخش های مختلف این حضور فعال معیز را تصویر می کنند. فرشید مثقالی طراح و برگزارکننده این نمایشگاه در همین راستا با یاد از سال های مملوم کار و فعالیت هنری معیز تصویرگری های ایشان را بخصوص در حوزه آرم ها بسیار خلاقانه می داند و چیل سال فعالیت هنری ایشان را با طرح و اجرای این نمایشگاه پاس می دارد.

حضور چهار هنرمند پیشرو در هنر گرافیک از جهان هنر که به عنوان اولین گرافیک ها همزمان با مرتضی ممیز هر یک روند تازه ای در سرزمین خود بنیان گذارده اند که مرتضی ممیز ضمن سخنرانی اش در مراسم افتتاحیه از ارایه آثار هنرمندان سه قاره به نیکی یاد می کند و عرضه این آثار را در ایران پاس می دارد. وی در مورد آثار ارایه شده اش در این نمایشگاه گفت: این آثار که تنها یک چهار صدم تصویرگری های من است بسیار خوب و با دقت گزینش و انتخاب شده است و در نهایت این اقدام گسترده را در عرصه هنر گرافیک به فال نیک می گیرم و هر گونه فعالیت در این زمینه را قدر می نیم. این آثار که به روایت فرشید مثقالی است از نظر ارایه کار و رهیافت جنید بی نظیر است اما در این میان نباید از یاد برد همزمانی بی بنال پوستر و این نمایشگاه را که فرصتی مناسب در جهت برگزاری سمینارها و سخنرانی ها در یک مجموعه در خدمت پیشگامان و اهالی گرافیک است. در آخر و باید افزود که به پنج طراح از سه قاره بمدت یک ماه در جهت بزرگداشت هنرمند معاصر ایران مرتضی ممیز تداوم می یابد.

گروه فرهنگی، سارا اسلانی، حدود ساعت چهار بعدازظهر دوهای موزه معاصر ایران برای بزرگداشت هنرمند معاصر ایران «مرتضی ممیز» به روی علاقه مندان و هنر دوستان گشوده شد.

در عصر روز سه شنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۸۲ نمایشگاهی با عنوان «پنج طراح گرافیک از سه قاره» با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با سخنرانی علیرضا سمیع آذر، مدیر موزه هنرهای معاصر و فرشید مثقالی، طراح و مسوول برگزاری این نمایشگاه افتتاح شد.

«پنج طراح گرافیک از سه قاره» با ارایه آثار چهار هنرمند دیگر به نام های «سانگ موان»، «آنتون بکه»، «سیمور چوامست» و «پائولا شه» از امریکا، کره جنوبی و هلند عنوان نمایشگاهی است به پاس حضور موثر و عمیق گرافیک بزرگ، مرتضی ممیز در هنر نوگرایی ایران.

پرو آن در صبح روز گذشته پس از نشستی مطبوعاتی جمعی از هنرمندان و خبرنگاران مطبوعات ایران برای قدر نهادن به آثار این هنرمند پر حضور و ثابت شده در هنر معاصر ایران گرد هم آمدند که در ابتدای نشست علیرضا سمیع آذر هدف از برگزاری این نمایشگاه را آغازی بر بی بنال بین المللی پوستر ایران با استانداردهای بین المللی و ضوابط آن دانست.

وی در عصر روز گذشته نیز در ابتدای مراسم افتتاح نمایشگاه «پنج طراح از سه قاره» در میان جمع کثیری از علاقه مندان، مرتضی ممیز، طلحه دار هنر نوگرایی معاصر سخن آغاز کرد: «مجموعه ای از آثار مرتضی ممیز مروری بر آثار اوست که شامل شیوه های مختلفی در حوزه طراحی پوستر و گرافیک، تصویرسازی و آرم ها و نشانه ها است که هنرمندان و هنر دوستان ایرانی در این آثار با حلقه بی